

مواد مخدر و موانع شرعی آن

عبدالرحمن عظیمی ۱۵ سرطان

احکام متعدد خداوندی و احادیث نبوی در مورد حرام قرار دادن شراب وجود دارد که به طور قطعی تولید، استعمال و تجارت آن را منع قرار داده است. اما در عصر حاضر اشیای دیگر نیز موارد استعمال دارد که همانند شراب عقل را زایل می‌سازد مانند حشیش، بنگ و تریاک و ملحقات آن از قبیل هیرویین، کوکائین و مورفین که عقل را مستور و شعور را تحت تاثیر قرار می‌دهد، در آنها عین مفسد و اضرار که در شراب است، دیده می‌شود. باوجود این همه اضرار و مفسد، بعضی ها عقیده دارند که استعمال این مواد مباح بوده حرمتی که در قسمت شراب موجود است در آن وجود ندارد. درحالی که شریعت اسلام چیزهای این نوع مواد مخدر را مباح تلقی ننموده است و هدایت فرموده، آنها را که به حلال دانستن چیزی از این مخدرات قایل اند، از جمله کسانی می‌داند که بر خداوند (ج) و رسولش افترای کذب نموده، از احکام شرع اطلاعی چندان ندارند، درحالی که از امام بخاری (رح) و مسلم روایت شده که حضرت رسول خدا (ص) فرمودند: "کل مسکر حرام" (هر مسکر حرام است.) و همچنان روایت زیادی از ابو داؤد آمده است، که رسول خدا (ص) ارشاد فرمودند (هرآن چه عقل را تحت تاثیر قرار دهد و نشه آورد، حرام است). فرق بین این و آن نوع نکرده و نیز تفاوتی میان ماکول و مشروب قایل نشده اند. بناءً اشیای که نشه و عادت را سبب می‌شوند، چون بنگ، چرس و تریاک و مشتقات آن که گاهی به شکل مایع و جامد که خورده یا نوشیده و دود و تزریق موارد استعمال دارد همانند شراب انگور بوده، زیرا همه عقل را مستور و شعور را می‌پوشاند، در آنها عین مفسد و اضراری که در شراب وجود دارد، دیده می‌شود. علما و اطبا اخیراً تحقیقاتی را که انجام داده‌اند بیشتر از یکصد و بیست ضرر دینی و دنیایی آن را تثبیت نموده اند، که شامل ضرر مادی، معنوی، صحتی و اقتصادی می‌باشد. بناءً درمی‌یابیم که مبنای شریعت اسلام بر جلب مصالح و دفع مفسد استوار می‌باشد. بر همین اساس است. که بعضی از علمای مذهب حنفی گفته اند، هر کسی چرس و تریاک را حلال داند از جمله زندیق و مبتدع دانسته می‌شود. حالا که از مفسد و اضرار مواد مخدر مختصراً تذکر بعمل آمد، اکنون در مورد عدم مشروعیت کشت، خرید و فروش و استخراج مواد مخدره به مقصد تبادل و تجارت آن نکات چندی را متذکر می‌شویم:

کشت و زراعت: کشت و زراعت بته های چرس و تریاک به مقصد استخراج ماده مخدره، تبادل و تجارت آن بدون شک از دیدگاه شریعت اسلام حرام می‌باشد. و خوب حرام بودن آن از لحاظ شرعی بر اساس احادیث نبوی ثابت گردیده است. در حدیثی که ابو داؤد از ابن عباس (رض) از رسول اکرم (ص) روایت کرده، این حکم دیده می‌شود: ترجمه: (کسی که انگور را هنگام انگور چینی ذخیره می‌کند تا آن را بالایش خاصی که می‌خواهند از آن شراب بسازند بفروش برساند در آتش جهنم داخل خواهد شد). این حدیث دلالت صریح به حرام بودن کشت و زراعت چرس و تریاک می‌کند. شریعت اسلام کشت و زراعت آن را به مسلمانان حرام دانسته تبادل و تجارت آن از جمله گناه کبیره شمرده، کمک نمودن به کسی درین راستا، شرعاً جایز نیست. چرا که بیماری کردن بر گناه عیناً گناه است. به دلیل حکم شرع که انکار منکرات با قلب، عبارت است از کراهت قلب؛ در حدیث صحیح مسلم از رسول اکرم (ص) روایت شده است. ترجمه: (کسی که در دل خود منکر را انکار نکند به اندازه دانه اسفند ایمان در دل وی نیست) بناءً کسانی که به کشت و زراعت این نبات تباها کننده شریعت اقدام می‌نمایند خلاف حکم خدا و رسولش عمل نموده در دنیا و آخرت واجب المجازات می‌باشند.

خرید و فروش و مفاد حاصله از آن:

طوری که قبلاً در مورد حرام بودن زراعت مواد مخدره تذکر به عمل آمد، معلوم می‌گردد. که خرید و فروش آن و نیز اخذ منفعاتین مدرک مطلقاً حرام می‌باشد. به دلیل فرموده خداوند (ج) ترجمه: (شما مال یکدیگر را به طریقه های ناجایز

مخورید). یعنی هیچ یکی از شما نباید مال دیگران را به صورت نا جایز اخذ کنید. درین جا اخذ مال به صورت ناجایز دو وجه دارد:

(۱) اخذ مال به وجه ظلم

(۲) اخذ مال به طریقه حرام

- اخذ مال بوجه ظلم مانند دزدی، خیانت، غضب و غیره طرق نامشروع صورت می‌گیرد.

- اخذ مال به طریق حرام و ناروا مانند اخذ مال از راه قمار یا به طریق عقود که حرام صورت گیرد. به طور ربا (سود) و خرید و فروش چیزی که خداوند (ج) اخذ مفاد از آن را حرام دانسته مانند مواد مخدره چون شراب، چرس، تریاک و غیره.

و مواد مخدره ای که قبلاً از آن نام بردیم حرام است ولو که به رضا و رغبت مالک آن معامله صورت گرفته باشد.

در خاتمه مطالبی را که اکنون گفته آمدیم به چهار نکته خلاصه می‌کنیم:

۱- تحریم مبادله شراب، چرس، تریاک، هیروین، کوکابین، مورفین و غیره مواد مخدره شرعاً وضع گردیده هیچ شخصی از آن عدول کرده نمی‌تواند. در صورت خلاف، مورد مواخذه خداوندی قرار می‌گیرد.

۲- تحریم تجارت مواد مخدره شرعاً وضع گردیده و اتخاذ برای شغل و پیشه برای کسب سود از این مواد شرعاً مجاز نیست.

۳- حرمت کشت چرس و تریاک به منظور استخراج ماده مخدره شرعاً حکم گردیده بنهائاً کشت، استخراج، مبادله و تجارت آن شرعاً حرام است.

۴- سود حاصل از مواد مخدره شرعاً حرام بوده و به مصرف رسانیدن مفاد حاصله از آن در راه صدقات و خیرات و رفتن حج و غیره نزد خداوند (ج) غیر مقبول و حرام می‌باشد، بنهائاً بر مسلمانان است تا سعی نموده از اوامر خداوند و رسولش اطاعت نموده به همچو اعمال ناشایسته متوصل نشوند.

محکمه جزایی بین المللی (اول سرطان ۸۸)

محکمه جزایی بین المللی یک سازمان مستقل و دارای شخصیت حکمی بین المللی است که جزء نهادهای سازمان ملل متحد به شمار نمی‌آید. همکاری متقابل محکمه جزایی با سازمان ملل از طریق موافقت نامه همکاری تعیین می‌شود. جنگ و درگیریهای مسلحانه دولت‌ها در گذشته به موارد دهشتناکی از نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوزات ارضی انجامیده و افراد زیادی از مردم عادی و ملکی را متضرر ساخته اند. وقوع این گونه جنایات وحشتناک و غیر انسانی سبب شد که سازمان ملل متحد برای جلوگیری از تکرار و پیشگیری از ادامه جنایات ضد بشری در مناطق و کشورهای مختلف دنیا، محکمه جزایی بین المللی را تأسیس نماید.

آشنایی با کارکردها و صلاحیت‌های این محکمه ازین نظر برای ما مهم می‌باشد که کشور ما در دوران پس از جنگ بسر می‌برد و در جریان سه دهه جنگ و بی قانونی، رخدادهای جنایی و تخطی‌های حقوق بشری بسیاری صورت گرفته است که هر از چند گاهی به شکل گسترده در رسانه‌های کشور بازتاب می‌یابند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ای را به امضاء رساند که به موجب آن کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد را مؤظف به تهیه پیش نویس اساسنامه ای نمود که وظایف و تشکیلات یک محکمه جزایی بین المللی را مشخص سازد. پنجاه سال بعد از این تاریخ (۱۷ جولای ۱۹۹۸) ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور جهان در کنفرانس دیپلماتیک روم، اساسنامه محکمه جزایی بین المللی را امضا کردند.

اساسنامه محکمه جزایی بین المللی به آن دسته از جرایمی رسیدگی می‌کند که در قلمرو دولت عضو و یا از سوی تبعه دولت عضو اساسنامه، ارتکاب یافته باشند.

دولت افغانستان به تاریخ ۱۰ فیبروری ۲۰۰۳ به عضویت این محکمه بین المللی درآمد و از اینرو اشنایی گرچند اجمالی با این محکمه، برای مردم افغانستان دور از فایده نخواهد بود.

بر مبنای مواد مندرج در اساسنامه، محکمه جزایی بین المللی صلاحیت رسیدگی به جرایم ذیل را دارد:

۱- نسل کشی

۲- جنایات علیه بشریت

۳- جنایات جنگی

۴- تجاوز ارضی

فیض الله خواجه امانی

فسخ و تفریق از دیدگاه قانون مدنی

ماده (۱۳۱) قانون مدنی مشعر است: "عقد ازدواج با فسخ، طلاق، خلع و تفریق مطابق به احکام مندرج این قانون منحل می گردد." موضوع بحث این نوشته ما در رابط به فسخ و تفریق می باشد که اینک به طور فشرده به بررسی گرفته می شود:

ماده (۱۳۲) قانون مدنی فسخ را چنین تعریف نموده (فسخ عبارت از نقض عقد ازدواج به سبب وقوع خلل در حین عقد و یا بعد از آن به نحوی که مانع دوام ازدواج گردد).

طوری که دیده می شود در تعریف فسخ خلل در حین عقد آمده حالا می بینیم که خلل در حین عقد ناشی از اسباب ذیل می باشد.

الف - فقدان یکی از شروط صحت عقد

شروط صحت عقد از دواج عبارت اند از:

۱) ایجاب و قبول توسط عاقدین یا اولیا یا وکلای شان.

۲) حضور دو نفر شاهد با اهلیت.

۳) عدم موجودیت حرمت دایمی یا موقت بین ناکح و منکوحه.

۱) ایجاب و قبول

باید در حین عقد ازدواج رضایت طرفین موجود باشد. ابراز رضایت طرفین توسط ایجاب و قبول بیان شده می تواند، مطابق نظر علمای حقوق ایجاب عبارت از پیشنهادی است که توسط یک شخص به شخص دیگر جهت انعقاد عقد ازدواج صورت می گیرد. و قبول عبارت از موافقتی است که در برابر ایجاب شخص مقابل مبنی بر انعقاد عقد ازدواج صورت می گیرد. هرگاه در حین عقد ازدواج ایجاب و قبول صورت نگرفته باشد عقد ازدواج فسخ می گردد.

۲) موجودیت دو نفر شاهد با اهلیت

برای اینکه عقد ازدواج مطرح بحث قرار گیرد و نتایج حقوقی بار آورد موجودیت دو نفر شاهد مرد و یا یک نفر شاهد مرد یا دو نفر شاهد زن حتمی می باشد و شاهد باید دارای اهلیت باشد یعنی عاقل و بالغ باشد کسی که عدیم الاهلیت یا ناقص الاهلیت باشد شاهد عقد ازدواج شده نمی تواند مانند صغیر، مجنون و معتوه.

۱) عدم موجودیت حرمت دایمی یا موقت بین ناکح و منکوحه

در بسیاری از کتب موجودیت حرمت دایمی یا موقت بین ناکح (ذکور) و منکوحه (اناث) را شرایط منفی عقد از دواج یاد نموده اند. شرایط منفی عقد ازدواج عبارت از آنگونه وضعیت های طبیعی بین مرد و زن است که با موجودیت این گونه وضعیت ها اشخاص نمی توانند با همدیگر ازدواج کنند. این محرمت به دو شکل می باشد. یکی محرمت موبد (دایمی) که با تحقق شرایط آن شخص چه در حال، چه در آینده به هیچ صورت نمی تواند با اشخاص مورد نظر ازدواج کند.

محرمات موقت عبارت از آن وضعیت های طبیعی بین مرد و زن است که این وضعیت قابلیت زوال را داشته و تا زمانی که این گونه ممانعت بین مرد و زن وجود داشته باشد امکان ازدواج وجود ندارد اما بنابر بعضی عوامل امکان دارد که این ممانعت از بین برود در آن صورت مرد و زن با رفع موانع می توانند با هم ازدواج نمایند اگر در حالت موجودیت موانع عقد ازدواج صورت گرفته باشد باید عقد ازدواج فسخ گردد.

ب - خیار افاقه (زوال جنون) وعته

به این مفهوم که مجنون بعد از صحت یاب شدن به عقد ازدواج که قبلاً در زمان مجنونیت اش صورت گرفته موافقه نشان ندهد و با استفاده از خیار افاقه (زوال جنون) می تواند به عقد ازدواج موافقه نکرده عقد را فسخ نماید. یا شخص معتوه یا ضعیف العقل با رفع شدن معتوهیت می تواند به عقد ازدواج موافقه نکرده عقد را فسخ نماید.

ج - نقصان مهر از اندازه مهر مثل زوجه

هرگاه زوجه یا ولی اش درک نماید که مهر از اندازه مهر مثل که در بین خویشاوندان خصوصاً از سلسله پدری و یا اهالی قریه کمتر است می تواند به فسخ عقد ازدواج اقدام نماید.

خلل بعد از عقد ازدواج که مانع دوام ازدواج می گردد که این موضوع هم در ماده (۱۳۱) قانون مدنی در تعریف عقد ازدواج آمده ناشی از اسباب ذیل است.

۱) حرمت مصاهره: حرمت که از سلسله خسرانگی به وجود می آید مثلاً در حین عقد ازدواج فهمیده نشود که حرمت مصاهره در میان بوده بعداً فهمیده شود که مسأله حرمت مصاهره (خسرانگی) در میان است باید همچو عقد ازدواج فسخ گردد.

۲) لعان: شخصی که زوجه خود را به زنا متهم نماید.

۳) امتناع زوجه غیر کتابی از مسلمان شدن در صورتی که زوج او مسلمان شده باشد:

مثلاً زوج و زوجه هر دو مسلمان نیستند اما زوج اهل کتاب است و زوجه اهل کتاب نیست بعد از ازدواج، زوج مسلمان می شود اما زوجه با وجود تاکید زوج اهل کتاب نمی شود به حالت قبلی اگر بت پرست بود یا آتش پرست می ماند و اهل کتاب نمی شود بناءً عقد ازدواج بین شان باید فسخ گردد.

ادامه دارد....

حقوق غیر مالی زوجه

دردانه فضالی ۱۵ سرطان اصلاح شده

در نوشتاری تحت عنوان حقوق مالی زوجه یادآور شدیم که عقد ازدواج مانند سایر عقود یک سلسله آثار و نتایج حقوقی مشخصی را به دنبال دارد که از آن جمله می توان به حقوق مالی و غیر مالی زوجه اشاره نمود که زوجین بعد از عقد ازدواج ملزم به رعایت آن می باشند.

زمانی که مرد و زن ازدواج می نمایند در حقیقت کلیه تکالیف ناشی از عقد نکاح را پذیرفته اند؛ بنابراین زوج علاوه بر رعایت حقوقی مالی زوجه، ملزم می باشد که یک سلسله حقوق غیر مالی معین را نیز نسبت به زوجه رعایت نماید. حقوق غیر مالی که بیشتر جنبه اخلاقی دارد و هدف از آن رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی است که با مال و منافع اقتصادی تعلق نمی گیرد و با پول قابل داد و ستد نمی باشند مانند حسن معاشرت زوجین نسبت بهم، حفظ حیثیت و کرامت یکدیگر، حفظ اسرار امور مربوط به زوجیت، استمتاع جنسی زوجین از هم، و امثالهم می باشد.

-حسن معاشرت زوج با زوجه:

از آنجائیکه بنای زندگی زناشویی بر اساس مودت و رحمت نهاده شده است. در تنظیم روابط آن قواعد اخلاقی بیشتر از قواعد حقوقی حاکمیت دارد، اگر چه علم حقوق تکالیفی را برای هر یک از زن و شوهر وضع نموده ولی آنچه که بر قلبها حکومت می کند عشق و علاقه زن و شوهر بهمدیگر است که زندگی مشترک را استحکام می بخشد. اجتماع سالم متشکل از خانواده های است که در آن مهربانی، حسن نیت، گذشت، فداکاری، تفاهم، محبت و دلجویی از ستونهای اصلی آن بشمار می رود.

اولین حق غیر مالی کهبعد از عقد ازدواج زوج ملزم به رعایت آن می گردد حسن معاشرت با زوجه است، که عدم رعایت آن ممکن عواقب خوبی در پی نداشته باشد. بنا بر این زوج باید سعی نماید تا با رفتار و کردار پسندیده و با استفاده از بهترین کلمات اسباب رضایت خاطر زوجه را فراهم نماید و از اذیت و آزار لفظی و جسمی همسر خویش پرهیز نماید. زیرا خداوند متعال در قرآن (سوره نساء آیه ۱۹) می فرماید: و «عاشروهن بالمعروف» با زنان به طور شایسته رفتار نمایید. در حدیث شریف پیامبر (ص) می فرماید: "اکمل المومنین ایماناً احسنهم خلقاً و خيارکم خيارکم لنسائهم." (کاملترین مومن از حیث ایمان کسی است که اخلاق نیکوتر داشته باشد. بهترین شما کسانی هستند که نسبت به زنانشان رفتار بهتر داشته باشند).

همچنین رسول خدا (ص) فرموده است: «خیرکم خیر کم لاهله انا خیر کم لاهلی» بهترین شما آنهایی هستند که با زن و فرزندان خود بهترین رفتار را داشته باشند، من برای خانوادهام از همه شما بهترم.

-محافظة از کرامت و حیثیت زوجه:

شوهر مکلف به محافظت از کرامت، شخصیت و حیثیت زوجه اش می باشد زیرا هر آنچه که شرافت و آبروی زوجه را مخدوش نماید و یا باعث بد نامی زوجه گردیده و شهرت نیک وی را خدشه دار سازد، تاثیر مستقیم بر شخصیت زوج دارد؛ فلهدا بر شوهر لازم است که از حیثیت زوجه خویش که شریک زندگی وی می باشد پاسداری نماید و با هر امری که موجبات ضرر زوجه گردد به مقابله برخاسته و از حرمت زوجه دفاع نماید.

-حق استمتاع جنسی

در زندگی زناشویی روابط جنسی از اهمیت خاصی برخوردار است. عدم توجه و بی رغبتی زوج در امور جنسی زوجه شاید منجر به کدورت و فاصله گرفتن زوجین از همدیگر شود و یا در بعضی موارد ممکن باعث از هم پاشیدگی کانون خانوادگردد. و این امر در سنت رسول خدا مورد تایید قرار گرفته است. چنانچه از عبدالله بن عمر (رض) روایت است کهپیامبر خدا در این باره فرموده است: ای عبدالله! شنیده ام که همه روزها را روزه و بسیاری از شبها را بیداری؟ گفتم بلی درست است یا رسول الله! رسول خدا فرمود: ان لبدنکه علیک حقا و ان لاهلک علیک حقا این کار را نکن! گاهی برخی روزها را روزه بگیر و برخی از روزها از روزه گرفتن خودداری کن! و برخی از شبها نماز بخوان و شبهای دیگر را استراحت کن، زیرا جسم، چشم و زوجهات هر کدام حق و حقوق بر عهده تو دارند و حق هر یک را به خوبی ادا کن.

چرا از نام بردن دختران و زنان ابا می ورزیم؟!

حفیظ الله زکی ۱۵ سرطان ۸۸

یکی از موضوعات حقوق بشری که بسیار ضروری است روی آن بحث صورت گیرد و متأسفانه درکشورما به کلی به فراموشی سپرده شده، حق داشتن اسم و تغییر و تصحیح آن توسط اشخاص طبیعی است. هر شخص حق دارد دارای نام مناسب و شایسته باشد. انسان ها به وسیله داشتن نام از همدیگر تفکیک و شناخته می شوند. پیامبر گرامی اسلام فرموده : هر بچه ای در گرو عقیقه اش است که روز هفتم سر بریده می شود و در آن روز نام گذاری شده و سرش را می تراشند.

اسم، علاوه بر این که یکی از حقوق انسانی و بشری به شمار می رود، با اصل کرامت و احترام به شخصیت انسان و خصوصیات و ویژگیهای فرهنگی خانواده نیز در ارتباط می باشد. از اینرو اشخاص و خانواده ها سعی می کنند تا بهترین و مناسبترین اسم ها را برای خود و فرزندان شان انتخاب نمایند. گذاشتن نام های بد و ناسازگار با فرهنگ و باورهای اجتماعی سبب تحقیر و توهین اشخاص می گردد و کرامت انسانی شان را پامال می کند. به این خاطر پیامبر اسلام می فرماید: نام نیک برای فرزندان خود بگذارید؛ زیرا در روز قیامت شما را با اسم خود و پدران تان فرا می خواند.

در حقوق بین المللی نیز این حق برای اشخاص به رسمیت شناخته شده است.

ماده ۷ کنوانسیون حقوق طفل چنین مقرر داشته است که: "یک طفل بعد از تولد فوراً باید سجل شود، حق دارد از بدو تولد نامی داشته باشد، صاحب هویت ملی گردد و تا جای ممکن، حق شناخت والدین خود و مراقبت از جانب آنان را دارد. دول طرف کنوانسیون باید اجرای این حقوق را مطابق به قوانین ملی و در چهار چوب اسناد بین المللی مربوط در این زمینه تضمین کنند بخصوص اگر عکس قضیه منجر به بی هویتی طفل شود.

در ماده ۸ کنوانسیون، وظایف دولت ها را در این زمینه روشن می سازد:

دول طرف کنوانسیون متعهد می شوند که بدون مداخله رنج آور حق طفل را در هویتش بشمول تابعیت، نام ونسب فامیلی آن طوری که قانون مشخص می کند، احترام بگذارند.

در اعلامیه جهانی حقوق کودک نیز آورده که:

کودک باید از بدو تولد صاحب اسم و ملیت گردد.

مطابق قانون مدنی افغانستان هر شخص می تواند دارای نام باشد. فقره اول ماده ۳۸ ق.م.ا می گوید: "هر شخص می تواند علاوه بر اسم خود، اسم خانوادگی انتخاب نماید..."

در قانون این نکته نیز پیش بینی گردیده که اگر شخصی از نامی که والدین برای او انتخاب کرده ناراضی باشد؛ می تواند مطابق قانون ثبت احوال نفوس نام خودش را تغییر دهد. اما در این تغییر سه شرط باید در نظر گرفته شود:

۱- تغییر قبل از هیجده سالگی باشد.

۲- تغییر اسم باید در اسناد سجل ثبت شود.

۳- اشخاص فقط یکبار در عمر از این حق برخوردار می باشد.

در افغانستان این رسم وجود دارد که والدین نامی برای فرزندان دختر و پسر شان انتخاب می نماید؛ اما این سنت نیز وجود دارد که در برخی مناطق مردم از نام بردن اسامی زنان و دختران جوان شان احساس ننگ و یا شرم می کنند. زنان و دختران نه با اسم خودشان که با نسبتی که با فرزند پسر بزرگش دارد و یا با نسبت زوجیتی که با شوهر و یا پدر وحتا برادر شان دارند، صدا زده می شوند. این رسم با آموزه های اسلام، قوانین بین المللی و داخلی منافات دارد. همانطوری که دختران و زنان حق دارند که نام خودشان را انتخاب نمایند، حق دارند که با اسم خودشان شناخته و صدا زده شوند. انکار نام اشخاص به انکار هویت آنان ارتباط می گیرد و انکار هویت با حقوق انسانی شان در تضاد می باشد.

حقوق زنان کارکن

طوری که در ماده ۴۸ قانون اساسی به صراحت تذکر به عمل آمده که «کار حق هر انسان است» انتخاب شغل و حرفه در در حدود احکام قانون آزاد می باشد.

تمامی اتباع افغانستان اعم از زن و مرد به اساس اهلیت و بدون هیچ گونه تبعیض مطابق احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند. در جمهوری اسلامی افغانستان انتخاب شغل، حرفه، مهارت تخصصی و نوع شغل مطابق رشته تحصیل، علاقه، استعداد و آمادگی حرفوی طبق سند تقنینی مربوطه آزاد می باشد.

همچنان در استخدام به کار، تأدیه مزد و امتیازات، انتخاب شغل، حرفه، مهارت و تخصص، حق تحصیل و تأمینات اجتماعی هر نوع تبعیض ممنوع می باشد.

کارکنان در جمهوری اسلامی افغانستان دارای حقوق مساوی کار با مزد مساوی می باشند. همچنان کارکنان به اساس کمیت و کیفیت کار با رعایت بست، رتبه یا درجه معین مستحق دریافت مزد یا اجوره با ضمایم آن می باشند. علاوه بر حقوق و امتیازاتی که به کارکنان در قانون کار در نظر گرفته شده، زنان در حالات خاص پیش بینی شده دارای امتیازات ذیل نیز می باشند:

در قانون کار، وقت عادی کار طور اوسط در طول سال در هفته متجاوز از ۴۰ ساعت بوده نمی تواند، اما برای زنان حامله در هفته ۳۵ ساعت است که این تقلیل اوقات کار موجب کسر مزد و سایر حقوق وی نمی گردد. مطابق ماده ۵۴ قانون کار؛ حقوق ویژه زنان کارکن عبارت اند از:

۱- کارکن مستحق ۹۰ روز رخصتی ولادی با مزد می باشد که یک ثلث آن قبل از ولادت و دوثلث آن بعد از ولادت قابل اجرا است، در صورت ولادت غیر طبیعی یا دوگانگی یا بیشتر از آن مدت ۱۵ روز رخصتی بیشتر به وی داده می شود.

۲- مزد و سایر حقوق مندرج فقره اول این ماده به اساس تصدیق شفاخانه اجرا می گردد

۳- کارکن زن مکلف است با اختتام رخصتی مندرج فقره اول این ماده در خلال ۵ روز به اداره مراجعه نماید در غیر آن تارک وظیفه شناخته شده از امتیازات مندرج فقره ۲ این ماده مستفید شده نمی تواند.

فصل یازدهم قانون کار در مورد کار زنان و نوجوانان و موارد عدم استخدام زنان و نوجوانان به کارهای فیزیکی ثقیل مضر صحت و زیر زمینی جواز ندانسته در ماده ۱۲۱ قانون کار این طور مشعر است: «اداره نمی تواند زن و نوجوان را به اجرای کار شبانه توظیف نماید. توظیف زنان و مادران دارای طفل شیر خوار در شفاخانه ها، کلینیک های صحتی و در صورت موافقه او در وظایف و کارهاییکه ضرورت مبرم محسوس باشد به طور نوبتی و طبق جدول از این حکم مستثنی است.» در قانون مذکور به صراحت تذکر به عمل آمده که اداره نمی تواند زنان و نوجوانان را به کار شبانه توظیف نماید، اداره نمی تواند زنان حامله، مادران دارای طفل کمتر از دوسال و کارکنان نوجوان را به اضافه کاری و مسافرت به خاطر انجام کار رسمی توظیف کند.

البته توظیف زن دارای طفل کمتر از دوسال به اجرای اضافه کاری و انجام مسافرت به منظور کار رسمی بدون موافقه قبلی زنان جواز ندارد. در حقیقت این امتیازی است که برای زنان داده شده و زنان از آن مستفیداند، زیرا ماده ۴۹ قانون اساسی کار اجباری را ممنوع قرار داده برای این که کار شکل اجبار را نگیرد به موافقه و رضایت قبلی زنان شرط گذاشته شده تا موانع و مشکل در مورد امور خانوادگی و طفل داری ایشان نگردد، علاوه بر این در دوران حاملگی برای زنان امتیازات دیگری نیز در نظر گرفته شده، آن این که زنان در دوران حاملگی مطابق تصدیق داکتر یا شفاخانه، به کار خفیف با حفظ دستمزد و سایر حقوق وظیفه اصلی توظیف می گردد، که بعد از به دنیا آمدن طفل و مستفید شدن رخصتی های ولادی با حفظ مزد و سایر حقوق وظیفه اش می شود.

دولت به منظور مواظبت و مراقبت از اطفال کارکنان و آرامش خاطر مادران از اولادشان در محوطه اداره شیرخوارگاه و کودکستان را ایجاد و برای مادران دارای طفل شیرخوار علاوه بر وقفه صرف غذا وقت اضافی که کمتر از ۳۰ دقیقه نباشد بعد از هر سه ساعت به خاطر شیر دادن طفل در اتاق کودک محل کار داده شده است.

این وقفه ها شامل وقت کار رسمی می باشد که از طرف اداره مربوط توسط لوائح نظم داخلی مربوط تنظیم می گردد. در مورد عدم امتناع از پذیرش زن به کار ماده ۱۲۵ قانون کار این طور مشعر است:

«امتناع از پذیرش زن به کار یا تقلیل مزد به دلایل حاملگی یا شیر دادن طفل، ممنوع می باشد.»

فرق بین وقایع و اعمال حقوقی

دردانه فضائی ۱۵ سرطان

اتفاقات و حوادثی که در اجتماع به وقوع می پیوندد و آثار حقوقی بار آن می گردد به دو دسته تقسیم می شود:

- وقایع حقوقی

وقایع حقوقی

وقایع حقوقی عبارت از وقایع می باشد که آثار حقوقی آن نتیجه اراده ی شخص نیست بلکه به حکم قانون به وجود می آید، اعم از اینکه ایجاد واقعه ارادی باشد مانند غصب، اتلاف مال غیر، ... یا غیر ارادی باشد نظیر فوت، تولد،...

اعمال حقوقی

عبارت از کارهای ارادی است که به منظور ایجاد اثر حقوقی خاص صورت می پذیرد و قانون نیز اثر دلخواه (ویژه ای) را بر آن بار می نماید. و یا می توان گفت که عمل حقوقی کار ارادی است که اثر حقوقی آن با آنچه کننده کار می خواسته منطبق است مانند عقود و ایقاعات.

۱- عقود

قرار داد یا عقد که در امور مالی معامله نیز گفت می شود، عمل حقوقی است که برای ایجاد آن نیاز بهدو یا چند اراده است. دو یا چند شخص باید توافق کنند تا از بر خورد اراه های شان عقد بوجود آید مانند: عقد بیع، که بیانگر توافق خریدار و فروشنده است یا عقد نکاح که در نتیجه تراضی و توافق زن و مرد به وجود می آید. پس عملی را می توان عقد نامید که دارای دو صفت ذیل باشد:

-در اثر توافقی دو یا چند نفر به وجود آمده باشد. زیرا عملی که با اراده یک تن واقع شود عقد نیست، هر چند که اراده دیگری بتواند آنرا از بین ببرد؛ چنانچه وصیت عهدی در نتیجه اراده موصی واقع می شود و نیازی به اراده و اطلاع وصی ندارد، اما در زمان حیات او وصی می تواند آنرا رد نماید. به همین جهت، وصیت عهدی را باید در زمره ایقاعات شمرد.
-منظور از آن ایجاد تعهد باشد. پس از انعقاد قرار داد دو طرف ملزم به رعایت آن هستند و باید تعهد های ناشی از آنرا اجرا کنند.

۲- ایقاع

عبارت از همان اعمال حقوقی است که با یک اراده انجام می شود در ایقاع ضرورت به توافق دو یا بیشتر از دو اراده نیست، یک شخص تصمیم می گیرد و اثر حقوقی بر آن بار می شود مانند طلاق، که اراده شوهر است، یا فسخ قرار داد، ابراء ...

معرفی قانون تنظیم امور زمینداری

سید محمد رضا فخری ۱۵ اول سرطان

این قانون به تاسی از حکم مندرج بند دوم ماده نهم قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امور زمینداری وضع گردیده است.

در فصل اول این قانون روی اهداف آن صحبت شده که عبارت از ایجاد نظم واحد و یا اعتبار زمینداری در سطح کشور، تنظیم دفاتر املاکی، جمع آوری ارقام و احصائیه های املاکی، رفع مشکلات ناشی از تطبیق اصلاحات اراضی نظام های گذشته، تفکیک زمین ملکیت دولت، اشخاص و زمین های بکر و بایر، علفچرو وقفی، توزیع زمین های دولتی و بکر و بایر، اعاده زمینی که به صورت غیر شرعی و غیر قانونی توزیع شده باشد، جلوگیری از غصب املاک دولتی و فراهم نمودن زمینه دسترسی به زمین برای مردم.

در این قانون بعضی اصطلاحات چون مالک زمین، ورثه، خانوار، تافل، وکیل قانونی، زمین زراعتی، زمینی خصوصی، زمین دولتی، ساحه زمین مرعی، ساحه زمین های وقفی، زمین بکر، زمین بایر، قطعه، قطعه کوچک، زمین اضافه جریبی، اسناد مدارک حکم، تغییر و تحولات زمین، اظهار نامه، شخص بی زمین، دفتر اساس ثبت اراضی خصوصی، دفتر اساس ثبت اراضی دولتی و مستحق آورده شده که هر یک را به صورت واضح تعریف نموده است.

در فصل دوم این قانون در مورد اسناد مدار حکم ملکیت زمین مطالبی آورده شده است که شامل مواردی چون سند شرعی محکمه مبنی بر خرید، تملیک، هبه، ترکه، تقسیم، تبادل زمین، ابراء خط، اصلاح خط و سند فیصله قطعی، تعویض سند به قباله، ثبت تاسیسات غیرمنقول زراعتی، نداشتن سند مدار حکم، اضافه جریبی، اعطای سند به ناقل، اعطای سند توزیع، اعطای سند مثنی طوریکه هرگاه سند ملکیت زمین یا سند توزیع از نزد شخص مفقود شود، مثنی آن برایش داده می شود، گنجانیده شده است.

در فصل سوم آن روی مسایل تصفیه زمین صحبت شده که روی موضوع رهبری عملیه تصفیه، ترکیب هیئت تصفیه زمین، وظایف و صلاحیت های هیئت تصفیه، وظایف تیم کدستر، تشخیص و تثبیت درجه زمین، همکاری مالک با وکیل شرعی وی، کمیسیون مرکزی تنظیم امور زمینداری، ایجاد کمیسیون ولایتی، استملاک زمین شخصی، استملاک توسط ادارات مربوط، رجعت منازعات به محکمه، تصفیه ساحه به اساس تقسیمات عنعنوی، تصفیه ساحه زمینداری مشاع، ملکیت شخص و از بین رفتن اسناد مدار حکم که در محلاتی که در آن دفاتر اساس املاک و مالیه و اسناد مدار حکم زمین که تثبیت ملکیت شخص را کرده بتواند، از بین رفته باشد، در صورت عدم موجودیت دفاتر در مرکز، ساحه زمین داری اشخاص بعد از تثبیت شرعی ملکیت، تصفیه می گردد.

در فصل چهارم قانون زمین داری روی موضوعات استرداد زمین های اخذ شده به زمینداران که شامل اجراءات در مورد زمین های اخذ شده، تغییرات در زمین مخالف اسناد تقنینی وقت، تبادل ساحه زمینداری قبلاً اخذ شده شخص، زمین های اشخاص غایب و اجراءات در مورد تصاحب خود سرانه زمین و توزیع آن مخالف شریعت مطالب آورده شده است. در فصل پنجم این قانون درباره مستحقین صحبت به عمل آمده که کدام اشخاص مستحق توزیع زمین شناخته میشود که شامل تابعیت افغانستان تکمیل سن هجده سالگی، تثبیت درجه قدامت، فوت مستحق و حق اولیت در توزیع زمین مطالب گنجانیده شده است.

در فصل ششم این قانون پیرامون توزیع زمین که به چه شکل توزیع می گردد معلومات ارایه گردیده است که شامل زمین های قابل توزیع، درجه بندی زمین، واحد مقیاس زمین، توزیع زمین به اساس درجات، تعیین عاید متوسط سالانه، توزیع زمین به اساس قرعه، توزیع قطعات کوچک پراکنده، فروش و انتقال زمین های بکر و بایر، تعیین معیار فروش زمین، توزیع زمین های بکر و بایر غرض احداث فارمها و ارایه درخواست زمین بکر و بایر به طور مفصل وضاحت داده شده است.

در فصل هفتم آن در مورد نحوه انتقالات و تحولات زمینمطالبی آمده است که شامل موضوعات حق انتقال زمین، انتقال ملکیت زمین، تحولات کمی و کیفی زمین، انتقال زمین دولت به دوایر، تبادل زمین شخص به دولت، تبادل زمین بین اشخاص و دولت، تبادل زمین برویت سند شرعی، زمین های زراعتی توزیع شده به کوپراتیف ها و انتقالات فاقد اعتبار که انتقالات است که خلاف احکام این قانون صورت گیرد، فاقد اعتبار است.

در فصل هشتم قانون تنظیم زمینداری در رابطه اجاره زمین معلومات ارایه گردیده است که شامل اجاره زمین دولتی، اجاره خط، مکلفیت های اجاره گیرنده، مکلفیت های اجاره دهنده، تادیه مصارف بعد از اصلاحات، معیاد اجاره زمین غرض جلب سرمایه گذاری، تعیین معیاد اجاره، اجاره زمین های بکر و بایر، معیاد عمران زمین های بکر و بایر، بهره برداری مستأجر، تفکیک موقعیت و نوعیت زمین، اجاره زمین به متشبه خصوصی، اخذ حق الاجاره، تزئید در مقدار حق الاجاره، عدم پرداخت مصارف، عدم پرداخت خساره، حالات فسخ اجاره، فسخ اجاره قبل از ختم میعاد، تعیین اندازه حق الاجاره زمین دولتی، تعقیب عدلی اجاره گیرنده، اطلاع از آفات زمین، اخذ تمام یا قسمتی زمین تحت اجاره و راجع ساختن منازعات به محکمه که منازعات مربوط به اجاره زمین در صورتی که در شعبات محلی ادارات تنظیم امور زمینداری حل شده نتواند، به محکمه راجع می شود.

در فصل نهم و دهم قانون متذکره روی ساحه زمین های مرعی و وقفی مرعی صحبت شده است موضوعات تصرف مرعی، زمین وقفی و احکام جزائی شامل عدم حضور مالک در محل تصفیه، تخریب عمدی تاسیسات آبیاری، عدم اطلاع از تحولات و تغییرات جدید و غصب زمین و یا معرفی به صفت مالک بدین معنی که شخصی که زمین دولتی را غصب یا خلاف واقعیت خود را مالک زمین معرفی نماید، زمین مسترد و مرتکب مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد.

در فصل اخیر این قانون پیرامون احکام نهائی شامل اشتباه در اندازه و حدود زمین، فعالیت های غیر زراعتی بالای زمین های زراعتی، حفظ اسناد تصفیوی، ضبط یا مصادره زمین، الحاق زمین بکر و بایر به زمین پلوان شریک، پیشنهاد مقرر و وضع طرز العمل ها مطالبی آمده است. این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردیده است و با انفاذ قانون تنظیم زمینداری منتشره جریده رسمی شماره (۷۹۵) سال ۱۴۲۱ هـ ق و سایر احکام مغایر ملغی می گردد.

امضای تفاهمنامه کمک و همکاری علمی و فرهنگی بین جامعه المصطفی(ص) العالمیه و وزارت عدلیه

روز سه شنبه ۲ سرطان ۱۳۸۸ تفاهمنامه کمک و همکاری علمی و فرهنگی طی محفلی در محل وزارت عدلیه توسط آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان و آقای علیرضا اعرافی رئیس جامعه المصطفی(ص) العالمیه به امضا رسید.

بر اساس این تفاهمنامه دوره های آموزشی حقوقی در افغانستان با همکاری جامعه المصطفی(ص) العالمیه برای کارمندان وزارت عدلیه برگزار می گردد. همچنین بورسیه های کوتاه مدت سیر علمی و مشاهداتی و بورسیه های دراز مدت به کارمندان وزارت عدلیه در رشته های مختلف از جانب جامعه المصطفی(ص) العالمیه فراهم می گردد. و در تجهیز کتابخانه های حقوقی وزارت عدلیه در مرکز و ولایات به کتب و منابع حقوقی، دینی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، وسایل و لوازم مورد ضرورت، برگزاری سیمینارهای علمی و حقوقی از جانب طرفین، زمینه سازی جهت حضور قضات و حقوقدانان دو کشور در سیمینارهای حقوقی و علمی با یکدیگر همکاری می کنند.

تعمیر ریاست عدلیه ننگرهار افتتاح شد

گزارش ۱۵ اول سرطان

روز سه شنبه ۹ سرطان ۱۳۸۸ تعمیر ریاست عدلیه ولایت ننگرهار در شهر جلال آباد مرکز این ولایت، طی محفلی با حضور داکتر محمد قاسم هاشمزی معین مسلکی وزارت عدلیه، رئیس اجرائیه ولایت ننگرهار، شماری از روسا، مقامات ارگان های دولتی و غیر دولتی، مسئولین و منسوبین ارگان های عدلی و قضاییان ولایت افتتاح شد.

ساختمان ریاست عدلیه ولایت ننگرهار به مصرف تقریبی دوصد هزار دالر امریکایی از کمک های دولت کانادا، توسط موسسه یو.ان.او.دی.سی. ساخته شده است. این ساختمان در مساحت هشتصد متر مربع، دو منزله، دارای شانزده اتاق کاری، یک اتاق جلسات، یک کتابخانه، یکگدام و یک اتاق محافظین، به شکل اساسی ساخته شده است. همچنین ریاست عدلیه ولایت ننگرهار مجهز به وسایل دفتری، مبل و فرنیچر، کمپیوتر، پرینتر ساده و رنگه، ماشین فتوکاپی و وسایل لازم دیگر مجهز شده است.

اصطلاحات حقوقی

اهلیت: ظرفیتی که شخص برای دارا شدن یا اجرای حق و تکلیف دارد.

اهلیت حقوقی: صلاحیت قانونی برای دارا بودن حق و وجیبه. یعنی اینکه شخص بتواند دارای حقوق و وجایب معین شود و یا صلاحیت اعمال و ادای وجیبه را داشته باشد.

اهلیت قانونی: حالتی که یک شخص حقیقی یا حکمی صلاحیت قانونی برای کاربرد حقی را دارد.

تصویب: تایید یک متن از طرف مقامات ذیصلاح مربوطه.

تکالیف: اوامر و نواهی قانونی را گویند که در عبارت دیگر آنها را الزامات قانونی می نامند.

اثر حقوقی: نتیجه یا نتایج ناشی از یک تصرف حقوقی یا حادثه حقوقی.

اخاذی: گرفتن پول از طرف اشخاص قدرتمند از اشخاص حقیقی و یا حکمی به طریق غیر مشروع با وارد کردن فشار.